

با بهاری که می رسد از راه

شاعر: محمد جواد محبت

قالب شعر: چهارپاره

آثار: رگبار کلمات، کوچه باغ آسمان، با بال این پرنده سفر کن

بیت اول:

روشن و گرم و زندگی پرداز آسمان مثل یک تبسم شد

تبسم: لبخند

نثر روان: آسمان صاف شد و ابرهای سیاه کنار رفت و امید به زندگی در دلها دوباره زنده شد.

آسمان مثل یک تبسم: ← تشبیه

بیت دوم:

هرچه سرما و دل سردی پر زد آهسته از نظر گم شد

نثر روان: سرما و افسردگی و ناامیدی کم کم از بین رفت.

دل سردی و سرما: ← کنایه از ناامیدی و افسردگی

بیت سوم:

با نسیمی که زندگی در اوست باز چشم جوانه ای وا شد

نثر روان: نسیم زندگی بخش بهاری باعث شکوفا شدن جوانه ها و سبزه ها شد.

باز شدن چشم جوانه ها: ← تشخیص

بیت چهارم:

بر درختی شکوفه ای خندید در کتابی بهار، معنا شد

کتاب: دنیا و جهان

نثر روان: شکوفه ها بر روی درخت مثل لبخند زیبایی باز شدند و دوباره بهار همه جای دنیا را زیبا کرد.

خندیدن شکوفه ها: ← تشخیص

بیت پنجم:

با بهاری که می رسد از راه سبز شو، تازه شو، بهاری شو

نثر روان: همراه با آمدن بهار تو نیز شاد و سرزنده باش و خودت را تغییر بده.

بیت ششم:

مثل یک شاخه گل جوانه بزن مثل یک چشمه سار جاری شو

نثر روان: مثل شاخه گلی زیبا جوانه بزن و مانند چشمه ای جاری، زندگی را دوباره شروع کن تلاش کن و حرکت کن.

مثل یک شاخه گل و مثل یک چشمه سار: ← تشبیه

بیت هفتم:

زندگی بر تو می زند لبخند هست وقت شکفتن امروز

نثر روان: زندگی با همه ی زیبایی هایش به تو می گوید که الان زمان تلاش و شادی و نشاط است.

لبخند زدن زندگی: ← تشخیص

بیت هشتم:

بہتر از ہرچہ ہست در دنیا با خدا راز گفتن امروز

نثر روان: عبادت و راز و نیاز کردن با خداوند بہترین چیز برای تو در دنیا است.

« زیبایی شکفتن »

واژه های مهم

دوره: زمان	شخصیت: مجموعه خصوصیات یک انسان
شور: هیجان، شادی	کیمیا: نایاب و نادر، دست نیافتنی
شوق: علاقه، میل	علايق: جمع علاقه، دلبستگی ها
شکوفایی: رونق و پی	اندرز: پند و نصیحت
حسرت: افسوس، دریغ	سرشار: پُر
وابستگی: نیازمند بودن	چالاکي: سرعت و زیرکی
استقلال: مستقل بودن، نیازمند نبودن	تأمل: فکر کردن، اندیشه کردن
رؤیا: خواب	بصیرت: آگاهی، بینش
باصفا: پاک	آراستگی: زیبایی
زلال: گوارا، صاف	دلنشین: خوب و پسندیده

برخی از آرایه های متن:

- وابستگی و استقلال: ← تضاد
 جویبار باصفا و زلال و گوارای زندگی: ← تشبیه
 نوجوانی شبیه به رؤیا است: ← تشبیه
 دوست خوب، کیمیا است: ← تشبیه
 کتاب پر راز و رمز آفرینش و شگفتی های طبیعت: ← تشبیه
 شکوفه های محبت و امید به آینده: ← تشبیه

دانش زبانی: نهاد

نهاد: به کلمه یا کلمه هایی که معمولاً در ابتدای جمله می آیند و انجام کاری یا داشتن حالتی به آن ها نسبت داده می شود « نهاد » می گویند.

مانند: « نوجوانی، دوره شور و شوق و شکوفایی است. » ← (نوجوانی) نهاد

نکته مهم: برای پیدا کردن نهاد، اگر شعر داشته باشیم ابتدا اجزای جمله را مرتب و سر جای خودش قرار می دهیم، بعد نهاد و سایر قسمت های خواسته شده را مشخص می کنیم.

مانند: « بر درختی شکوفه ای خندید در کتابی بهار معنا شد »

« شکوفه بر درخت خندید و بهار در کتابی معنا شد » (شکوفه ← نهاد جمله اول - بهار ← نهاد جمله دوم) «

برای پیدا کردن نهاد از این دو سوال + فعل کمک می گیریم. ۱- چه کسی؟ ۲- چه چیزی؟

مانند: « عاقل ابتدا فکرمی کند و بعد زبان می گشاید » چه کسی فکر می کند؟ عاقل ← نهاد

مانند: « تیر با سرعت به قلب هدف اصابت کرد » چه چیزی اصابت کرد؟ تیر ← نهاد

نکته: گاهی نهاد از جمله حذف می شود.

مانند: با بهاری که می رسد از راه سبز شو تازه شو بهاری شو (تو ← نهاد حذف شده است).